

درس هشتم

غیبت

غیبت یکی از گناهان بزرگ و رذائل اخلاقی است که تأثیرات ویرانگری در روابط افراد با همدیگر دارد و از آنجایی که خالق حکیم انسان را برای نیل به کمال آفریده، موانع رسیدن به کمال را معرفی و ممنوع کرده است. به نص قرآن کریم روابط پسندیده و مورد رضای الهی، در میان مؤمنان، رابطه برادری و «اخوت» می‌باشد: «إنما المؤمنون إخوة» و چون چنین رابطه‌ای در نظر پروردگار مطلوب و نیکو است، هر آنچه با آن ناسازگاری و ضدیت دارد، ممنوع و حرام شده است؛ از مسخره کردن همدیگر، از عیب گرفتن از یکدیگر با اسامی و نام‌های ناپسندیده و ناخوشایند همدیگر را صدا زدن تا سوء ظن و غیبت، و در این میان خداوند متعال غیبت را به خوردن گوشت مردار برادر دینی و ایمانی تشبیه کرده است.^۱

با توجه به اهتمام قرآن و حدیث به معرفی و مذمت و پرهیز دادن از این رذیله مخرب، علمای اخلاق و فقهای دین شناس در آثار علمی خود به معرفی چهره زشت این گناه و معصیت بزرگ اهتمام ورزیده‌اند. امام خمینی هم به عنوان عالم اخلاقی و مربی نفوس و هم به عنوان فقیهی مسئولیت‌شناس و خیرخواه هم در کتاب‌های اخلاقی خود و هم در کتاب‌های فقهی خود از رذیله غیبت بحث کرده و خطر را نمایانده و به شدت از آن پرهیز داده و البته طبق نقل‌های فراوان نزدیکان و دوستان ایشان، او خود در عمل هم به شدت از این معصیت بزرگ پرهیز می‌کرده و پرهیز می‌داده است.

معنای غیبت

در کتاب‌های لغت غیبت را معنی کرده‌اند به اینکه کسی پشت سر دیگری مسائل پنهانی و پوشیده او را برای دیگران واگویی کند، اگر آن شخص باخبر شود، ناخشنود شود و ناراحت گردد. البته این در صورتی است که او آنچه گفته راست باشد و اما اگر دروغ باشد که تهمت و بهتان خواهد بود.^۲ چنانکه در قاموس اللغه هم همین معنا برای غیبت ذکر شده، یعنی وقتی شخصی در نبود دیگری عیبی را از او برای دیگران بگوید و درست هم باشد، ولی او با شنیدنش ناراحت و ناخشنود شود.^۳

شهید ثانی؛ از منظر فقهی در تعریف غیبت می‌گوید:

۱. حجرات (۴۹): ۱۰ - ۱۳.

۲. الصحاح (تاج اللغه و صحاح العربیه)، ذیل ماده غاب.

۳. قاموس اللغه، فیروز آبادی، ذیل ماده غاب.

درباره کسی که حضور ندارد چیزی گفته شود که او خوش ندارد و در نگاه عرف نقصان و کمبودی برای او برداشت شود و گوینده هم به قصد کمبود وارد کردن به او بدگویی از او بگوید.^۴ امام خمینی با دقت در این تعاریف، «ذکر» را اعم از ذکر قولی و ذکر عملی و فهماندن با اشاره می‌داند و همین را فهم عرفی از اطلاعات لغویین و استعمال احادیث می‌داند. ایشان می‌گویند:

عرف از نفس اخبار غیبت خصوصیت تلفظ را نمی‌فهمد، بلکه آن را از جهت افهام نوعی مورد حرمت می‌داند؛ یعنی اختصاص تلفظ به «ذکر» از باب این است که غالباً غیبت با تلفظ واقع می‌شود؛ نه از جهت خصوصیت آن است.^۵

چنانکه به مطلب مهم دیگری در پایان بیان مفهوم غیبت اشاره می‌کند، ایشان می‌گویند:

از اطلاق بسیاری از اخبار معلوم می‌شود که کشف سرّ مؤمنین حرام است. یعنی، عیوبی که از مؤمنین مستور و مخفی است، چه خلقی یا خلقی یا عملی باشد، حرام است اظهار آن را و افشاء آن را، چه شخص متصف راضی به آن باشد یا نه؛ و چه قصد انتقاص در کار باشد یا نباشد ... و بعید نیست اظهار مستورات مؤمنین در صورت عدم رضایت آنها نیز محرم باشد.^۶

پر واضح است که اگر در جامعه اسلامی، به صورت عمومی، فرهنگ مسلمانان و مؤمنان این باشد که پشت سر همدیگر عیوبشان را نگویند، سرّ یکدیگر را فاش نسازند و مستورات هم را علنی نسازند، از نظر اعتماد به همدیگر و خوش بینی به یکدیگر و آرامش روانی، وضعیت بسیار خوب و پسندیده‌ای که مطلوب همگان می‌باشد، بوجود خواهد آمد و این همان مفهوم «أخوت» و «برادری» است که قرآن فرموده مسلمانان باید با یکدیگر پیوندی این چنین داشته باشند. اگر در جوامع اختلاف و حتی نزاع و جنگ و خشونت و خونریزی اتفاق می‌افتد، به این خاطر است که «برادری» وجود ندارد، و البته برادری خود عواملی دارد که اگر محقق نشوند، تحقق نمی‌پذیرد و طبق تعالیم قرآن «غیبت» از جمله خطرناک‌ترین ردائل اخلاقی است که اعتماد و آرامش و خوش بینی و برادری جامعه را از میان می‌برد. اگر سوءظن به همدیگر، برخورد کردن غیرمحترمانه با هم، عیب‌جویی کردن و غیبت کردن در جامعه نباشد؛ مسلماً در آن جامعه برادری وجود خواهد داشت و چنین جامعه‌ای قرآنی می‌باشد.

بزرگی گناه غیبت چنان است که حرام بودن آن نه تنها فی الجمله اجماعی است که حرمت آن «از ضروریات

^۴. کشف الریبه فی احکام الغیبه، ص ۲.

^۵. شرح چهل حدیث، ص ۳۰۲.

^۶. شرح چهل حدیث، ص ۳۰۲.

فقه است»^۷.

گناهی که در آیه قرآن زشتی آن بیان شده و در احادیث رسول اکرم^۶ و ائمه هدی^۷ درباره زشتی و آثار سوء دنیوی و اخروی آن فراوان سخن گفته شده است. گناهی که کبیره است و وعید به عذاب داده شده است.^۸ امام خمینی درباره ابعاد زشتی و ویرانگری گناه بزرگ غیبت می‌گوید:

این معصیت کبیره و این موبقه عظیمه از مفسدات ایمان و اخلاق و ظاهر و باطن است و در دنیا و آخرت انسان را منجر به رسوایی و بی‌آبرویی می‌کند... همین‌طور این رذیله مفسد اجتماعی و نوعی نیز دارد؛ و از این جهت از بسیاری از معاصی قبح و فسادش افزون می‌باشد.^۹ ایشان در ادامه این بحث، از مقاصد بزرگ شرایع الهی و انبیای بزرگ را که هم مقصود مستقل و بالذات می‌باشند و هم وسیله‌ای برای پیشرفت مقاصد بزرگ دیگر و نیز در شکل‌گیری مدینه فاضله نقش کلیدی دارد، همانا «توحید کلمه و توحید عقیده است».^{۱۰}

امام خمینی با نگاه نافذ خود یادآور می‌شوند که:

«اجتماع در مهمّ امور و جلوگیری از تعدیات ظالمانه ارباب تعدّی»^{۱۱} نیز از مقاصد و اهداف انبیاء^{۱۲} می‌باشد. یعنی مجتمع و متحد بودن در امور مهم اجتماعی و نیز جلوگیری از تجاوزات قدرتمندان فاسد و ظالم، از مقاصد بزرگ پیامبران الهی^{۱۳} است، چرا که اگر جلوی این تجاوزات و تعدیات گرفته نشود، لازمه آن فساد افراد جامعه و ویرانی مدینه فاضله خواهد بود.

ایشان تصریح می‌کنند که:

این مقصد بزرگ، که مصلح اجتماعی و فردی است، انجام نگیرد مگر در سایه وحدت نفوس و اتحاد همم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری و افراد جامعه به طوری شوند که نوع بنی آدم تشکیل یک شخص دهند. و جمعیت به منزله یک شخص باشد و افراد به منزله اعضا و اجزای آن باشد، و تمام کوشش‌ها و سعی‌ها حول یک مقصد بزرگ الهی و یک مهم عظیم عقلی، که صلاح جمعیت و فرد است، چرخ زند.^{۱۴}

^۷. شرح چهل حدیث، ص ۳۰۳.

^۸. ر.ک: شرح چهل حدیث، از ص ۳۰۳ - ۳۰۹.

^۹. شرح چهل حدیث، ص ۳۰۹.

^{۱۰}. ر.ک: شرح چهل حدیث، ص ۳۰۹.

^{۱۱}. شرح چهل حدیث، ص ۳۰۹.

^{۱۲}. شرح چهل حدیث، ص ۳۱۰.

اگر الفت و اخوت در جامعه‌ای تحقق یابد، اتحاد کلمه و وحدت جامعه هم محقق می‌شود و چنانکه بیشتر از آیات هدایت‌گر قرآنی سوره حجرات فهمیده بودیم گناه بزرگ غیبت در کنار سوءظن و چند گناه اخلاقی دیگر، چون موربانه رشته مودت و الفت و اخوت را از درون تهی می‌کنند و به جای حسن ظن به یکدیگر، سوءظن حاکم خواهد شد و هیچ‌گونه اعتمادی میان افراد چنین جامعه‌ای نخواهد بود و خوش‌بینی جای خود را به بدبینی خواهد داد و تشمت و اختلاف جای اتحاد و یکپارچگی را خواهد گرفت. وقتی چنین شود، نه تنها این مقصد و مقصود الهی بر زمین می‌ماند، که تمامی آن مقاصدی که این مقصد مقدمه و وسیله نیل به آنها بود، نیز ملغی شده، معطل می‌شوند.

اگر نبود که حکومت و جامعه نبوی در مدینه‌النبی بر پایه اخوت و برادری بنا شده بود؛ آن همه توفیقات و پیشرفت اجتماعی برای مسلمانان صدر اسلام در مواجهه با دشمنان متعدد احزاب مشترک المنافع، حاصل نمی‌شد. نبی گرامی اسلام 6 با هجرت تاریخ‌ساز خوداز مکه به مدینه، در اولین اقدامات برای جامعه‌سازی و پایه‌ریزی مدینه‌النبی، مسجد — محل عبادت و ارتباط انسان به خدا — را بنا کرد و قوانین اسلام را برای پیروان خود بیان کرد که بر اساس آن قوانین، مناسبات میان آنان — رهبری و پیروی از دو طرف — جریان داشته باشد، و برای اینکه کینه‌ها و دشمنی‌های ریشه‌دار گذشته زوده شود و زندگی جمعی آینده مسلمانان در فضای بی‌تنش و صلح و دوستی بوده باشد «عقد اخوت» و پیمان برادری را در میان مهاجران و انصار برقرار کرد و به این صورت جامعه نبوی و کشور اسلامی را بنیان‌گذاری فرمود.

درمان بیماری غیبت

همان‌گونه که امراض و بیماری‌های جسمی، دارو و درمان دارند، بیماری‌های روحی و معنوی نیز، دارو و درمان و طیب دارند و چنان‌که گفته شد، گناه بزرگ «غیبت» بیماری بزرگی است که هم دنیای مؤمنین را تباہ می‌سازد و هم آخرت فرد مبتلای به آن را به جهنم منتهی می‌سازد. امام خمینی درمان بیماری غیبت را از دو راه «علمی» و «عملی» می‌داند:

علاج این خطیئه عظیمه چون خطیئات دیگر به علم نافع و عمل توان نمود.^{۱۳}

ایشان بر این نظر است که انسان عاقل و خیرخواه و طالب کمال اگر در آثار و پیامدهای زشت غیبت بنگرد و مفسد ویران‌گری که بر آن مرتب است، راهی جز ترک آن جلوی خود نمی‌بیند. اگر شخص تأمل کند در اینکه با غیبت کردن از چشم دیگران می‌افتد و نزد آنان منزلتی نخواهد داشت، چرا که فطرت انسان‌ها طالب کمال و خوبی‌ها است نه زشتی‌ها و گناهان که سد راه کمال می‌باشند؛ این تأمل او را از این گناه دور خواهد

^{۱۳}. شرح چهل حدیث، ص ۳۱۱.

کرد، و خلاصه مطالعه و مقایسه آثار فردی و اجتماعی معصیت غیبت، زشتی آن را جلوی چشم انسان طالب نجات و دوری از گناهان ترسیم کرده و به این طریق از شر آن نجات خواهد یافت.^{۱۴}

از نظر امام خمینی راه درمان «عملی» بیماری غیبت:

به این است که تا چندی با هر زحمت شده کفّ نفس از این معصیت کرده، مهار زبان خود را در دست گرفته کاملاً از خود مراقبت کنی، و با خود قرارداد کنی که چندی مرتکب این خطیئه نشوی، و از خود مراقبت و محافظت کنی و حساب خود را بکشی؛ امید است ان شاء الله پس از مدت کمی اصلاح شده، قطع ماده آن بشود، و کم کم کار بر تو آسان می شود، پس از چندی احساس می کنی که طبعاً از آن منزجر و متنفری؛ پس راحتی نفس و التذاذ آن در ترک این می شود.^{۱۵}

موارد جواز غیبت

گفته شد دو گروه از علما به مسئله غیبت می پردازند، علمای اخلاق و فقها، فقها از حرمت غیبت سخن می گویند و در مقام بیان احکام وظیفه مکلفین را بیان می کنند، آنها پس از بیان حکم اصلی و اولی این گناه بزرگ، هر سخن گفتن در نبود کسی را حرام نمی دانند و مواردی را به عنوان موارد جواز غیبت ذکر می کنند. یعنی در مواردی شرع اجازه داده تا در نبود اشخاص معایب و بدی های آنها برای دیگران بیان شود، ولو چنین گفتن و توصیف کردن تنقیص او باشد و اگر هم بشنود ناراحت گردد.

فقها موارد جواز را چنین بیان کرده اند:

۱— در صورتی که فرد غیبت شونده آشکارا اهل گناه و معصیت باشد؛ چنین شخصی به تعبیر احادیث معصومین: پرده حیاء را دریده و به کناری نهاده است و احترامی ندارد. البته از احادیث یاد شده چنین برداشت می شود که غیبت چنین فردی در مورد همان گناهی که علنی انجامش می دهد جایز است، نه اینکه اگر گناه یا گناهان دیگری را هم پنهانی انجام دهد، جایز باشد آنها هم برای دیگران گفته شود.

۲— اینکه فرد مظلوم در مقام دادخواهی و تظلم، از ظلم ها و ستم های ظالم برای دیگران سخن بگوید، ولو گناه ظلم ظالم علنی نباشد و پوشیده و در خفا انجام پذیرفته باشد.

۳— غیبت کردن از کسی در مقام مشورت دادن به کسی که از باب مشورت جویای احوال فردی می شود و گوینده هم از باب خیرخواهی، وضعیت او را برایش گزارش کند. زیرا چه بسا خیانت کردن در چنین مقامی، مفسد قوی تر و افزون تر از غیبت کردن در پی داشته باشد. حتی اگر بدون مشورت خواستن، در مقام

^{۱۴}. ر.ک: شرح چهل حدیث، ص ۳۱۱ - ۳۱۲.

^{۱۵}. شرح چهل حدیث، ص ۳۱۳.

خیرخواهی گفتن بدی‌های اشخاص جایز است، چون مقام نصیح و خیرخواهی در حق مؤمن می‌باشد.^{۱۶} اگرچه در موارد یاد شده مصالح آشکاری دیده می‌شود که همین مصالح عامل جواز غیبت کردن می‌باشد، ولی امام خمینی در مواردی که غیبت کردن جایز است، ترک غیبت را «اولی» می‌داند. ایشان اولاً یادآور می‌شود که انسان نباید فریب نفس اماره را بخورد و با توجیه و به نام این موارد جایز، غیبت کند و در مفسد عظیمه آن واقع شود، بلکه باید دقت و احتیاط نمود و از عذرتراشی برحذر بود. و ثانیاً بیشتر متوجه و مواظب عیوب خود باشد تا عیب دیگران.

آنچه لازم است در این مورد ذکر کنیم این است که انسان باید در همه موارد از مکاید نفس ایمن نباشد و با کمال دقت و احتیاط تامّ مشی کند؛ و در صدد عذرتراشی نباشد که یکی از موارد استثناء را به دست آورده به عیب‌جویی و بذله‌گویی سرگرم شود ... انسان باید ملاحظه کند که داعی نفسانی او در این غیبت آیا همین داعی شرعی الهی است، یا داعی شیطانی و محرک نفسانی در آن مدخلیت دارد. اگر داعی الهی دارد، از عبادات به شمار می‌آید، بلکه غیبت با قصد اصلاح متجاهر و عاصی از اوضح مصادیق احسان و انعام به اوست، گرچه خودش نفهمد... بلی در مواردی که غیبت واجب می‌شود... البته باید اقدام نمود، ولی نیت را از هوای نفس و متابعت شیطان نباید تخلیص نمود، ولی در موارد جواز، ترک آن اولی و احسن است، هر امر جایزی را انسان نباید مرتکب شود، و خصوصاً این‌طور از امور که مکاید نفس و شیطان در آن خیلی کارگر است ... انسان خوب است که همان‌طور که تفحص از عیوب مردم می‌کند، قدری از عیوب خود تفحص کند.^{۱۷}

امام خمینی در این توصیه اخیر به حدیث نبوی نظر دارد که رسول اکرم 6 فرمودند:
«طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب الناس»؛ خوشا به حال کسی که عیب خودش او را از عیب‌های دیگران باز دارد - و این سخن حضرت عیسی 7 که فرمود: مثل مگس که بر قاذورات می‌نشیند، نباشید که موارد عیوب مردم متوجه باشید.^{۱۸}

نکته‌ای مهم

غیبت کردن از گناہانی است که نه تنها گوینده آن مرتکب حرام می‌شود و گناہکار می‌باشد، که شنونده آن

^{۱۶}. ر.ک: کتاب المکاسب، شیخ مرتضی انصاری، ج ۱، ص ۳۴۲ - ۳۵۲؛ المکاسب المحرمه، امام خمینی، ج ۱، ص ۴۱۵ تا ۴۳۵.

^{۱۷}. شرح چهل حدیث، ص ۳۱۳ - ۳۱۴.

^{۱۸}. شرح چهل حدیث، ص ۳۱۴.

که با شنیدنش گوینده را تشویق به گفتن می‌کند و یا موجب رونق جلسه گناه او می‌شود، نیز مرتکب حرام و مستحق کیفر الهی می‌شود. نه تنها شنیدن غیبت برای شنونده حرام است، که او وظیفه دارد غیبت را ردّ کند. توضیح اینکه شنونده غیبت اولاً وظیفه دارد غیبت کننده را از فعل حرامی که انجام می‌دهد، نهی کند و به وظیفه نهی از منکر خویش عمل کند، ثانیاً باید غیبت را ردّ کند، به اینکه خود غیبت شده را یاری کند، اگر عیب دنیوی باشد به گونه‌ای رد کند و اگر عیب دینی باشد آن را به گونه‌ای توجیه کند که از معصیت بودن خارج شود و اگر هم قابل توجیه نباشد، بگوید مؤمن هم گاهی لغزش پیدا می‌کند و سزاوار است برای او استغفار شود نه اینکه پرده آبروی او دریده شود.^{۱۹}